

Research Paper

An Investigation into the Interrelationship Between Institutions and Entrepreneurship



Mahmoud Mashhadiahmad¹ , *Atrina Oraee²

1. Faculty Member of University of Tehran.

2. MA in Economics, University of Tehran.



Citation Mashhadiahmad M, Oraee A. (2019). [An Investigation into the Interrelationship Between Institutions and Entrepreneurship (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 9(32): 24-43.



Received: 28 Dec 2017

Accepted: 16 Dec 2019

Key words:

Institutions, Entrepreneurship, Rules of the game, Economic development, Panel data model

ABSTRACT

Institutions and their related organizations strongly influence the speed and direction of economic growth. Consequently, they are regarded as a major factor for growth. Entrepreneurship is also known to be an important driving force for economic growth. With this regard, any action to direct and strengthen productive activities is an important consideration. Hence, it is important to devise effective instruments to influence the entrepreneurial activities in a productive way. Institutions, entrepreneurship and their interrelationship have a considerable influence on economic growth. This work is concerned with the relationship between institutions and entrepreneurship and the way in which they interact. To this end, this study employs established methods and presents a framework to determine the way in which they influence each other. Furthermore, the experience of other countries is used to propose a strategy for Iran in relation to institutions and entrepreneurship. The investigation uses empirical data to determine the coefficients required in the proposed model. The output of the proposed model shows that there is a positive relationship between entrepreneurship and the strength of institutions.

* Corresponding Author:

Atrina Oraee, MA.

Address: Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: oraee.atrina@gmail.com

مقاله پژوهشی بررسی رابطه دوسویه نهادها و کارآفرینی

محمود مشهدی‌احمد^۱، آترینا اورعی^۲

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

۲. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۰۷ دی ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲۵ آذر ۱۳۹۸

هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه دوسویه نهادها و کارآفرینی است. برای این منظور از روش داده‌های پنلی برای ۲۲ کشور در حال توسعه در بازه زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۷ استفاده شده است. بی‌تردید می‌توان چنین ادعان داشت که این نهادها و بافت تشکیل شده از آن‌ها جهت و سرعت حرکت جوامع مختلف در مسیر رشد و توسعه اقتصادی را مشخص می‌کنند و به همین دلیل از آن‌ها به عنوان اصلی‌ترین علت توسعه یاد می‌کنند. کارآفرینی نیز از مسائل بسیار مهم در روند رشد و توسعه اقتصادی کشور به شمار می‌آید که البته در قالب‌های متفاوتی نمایان می‌شود. نهادها و کارآفرینی در فرایند توسعه نقش مهم و بی‌بدیلی دارند. بنابراین از آنجا که شکاف عمیق میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را نمی‌توان با رویکرد اقتصاد متعارف توضیح داد و نیز با توجه به اهمیت موارد فوق، ضروری است به این دو عنصر هم‌زمان و در کنار هم توجه شود. متغیرهای مورد استفاده در این مقاله شامل شاخص کیفیت نهادی بوده که این متغیر بر اساس میانگین متغیرهای شاخص نهادی از قبیل اثربخشی دولت، کنترل فساد، پاسخگویی، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کیفیت بوروکراسی و شاخص خوداشتغالی به منزله معیاری برای کارآفرینی استفاده شده است. نتایج بیانگر تأثیر رابطه متقابل و مثبت بین کارآفرینی و کیفیت نهادی است.

کلیدواژه‌ها:

نهادها، کارآفرینی، قواعد بازی، توسعه اقتصادی، مدل داده‌های پنل

* نویسنده مسئول:

آترینا اورعی

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.

پست الکترونیکی: orae.aetrina@gmail.com

www.SID.ir

مقدمه

موقعیت‌های تازه برای اطلاع‌رسانی به خریداران بالقوه در خصوص کالاهای جدید، همگی کنش‌های کارآفرینانه در بازار هستند. هیچ تردیدی وجود ندارد که آنچه موجب احیای مجدد کشورهای توسعه‌یافته شده نوآوری‌های کارآفرینان مولد است. از این رو، می‌توان مدعی شد که کارآفرینی از جمله مقولات حیاتی و مهم مسیر رشد و توسعه جوامع مختلف است. چراکه در هدایت جوامع به سمت تغییرات فنی و مبتکرانه نقشی بی‌بدیل دارد. به علاوه عموماً کارآفرینان دانش جدید را به خدمات و محصولات جدید تبدیل می‌کنند و از این طریق باعث رشد اقتصادی می‌شوند. در واقع، به همین دلیل است که برخی اقتصاددانان معتقدند که کارآفرینی علاوه بر ایجاد اشتغال، موجب بالا رفتن کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد، کاهش اضطراب‌های اجتماعی و بهره‌وری بهتر از منابع ملی می‌شود.

در حال حاضر تشکیل و جهت‌دهی کنش‌ها و اعمال کارآفرینان را نهادها به رسمیت شناخته‌اند. به عقیده برخی از محققان، فرصت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای مختلف از تفاوت‌های چشمگیری برخوردارند که مقوله‌ای مهم در تعیین سطوح مختلف ثروت و درآمد جوامع مختلف به شمار می‌رود. در واقع، این اعتقاد وجود دارد که نهادهای رسمی از طریق وضع قوانین و نهادهای غیررسمی از طریق مقبولیت بخشیدن یا سلب کردن آن از انواع روش‌های کسب درآمد، بر جهت و مسیر حرکت کارآفرینان جامعه تأثیر می‌گذارند. در واقع، این نهادها هستند که بستر سودآوری را برای فرصت‌های سازنده به وجود می‌آورند و کارآفرینان از این فرصت‌ها در راستای ایجاد ثروت بهره‌برداری می‌کنند. اما این بدان معنا نیست که کارآفرینان تماماً به فعالیت‌های مولد مشغول می‌شوند؛ چراکه

از دیدگاه نورث^۱ نهادها قوانین رسمی، هنجارهای غیررسمی و خصایص اجرایی آن‌ها هستند. نهادها قواعد بازی‌اند و تعیین‌کننده محرک‌هایی که مردم نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. وبلن^۲ نیز معتقد است، نهادها «آن دسته از عادات تثبیت‌شده فکری هستند که در بین عموم انسان‌ها مشترک‌اند». او همچنین معتقد است که «نهادها محصول عادات هستند». نهادها از این نظر که جهت‌دهنده کنش‌های اجتماعی هستند اهمیت بسیار بالایی داشته و خاستگاه فرهنگ جامعه نیز به شمار می‌آیند. در واقع این نهادها و بافت تشکیل شده از آن‌ها جهت و سرعت حرکت جوامع مختلف در مسیر رشد و توسعه اقتصادی را مشخص می‌کند و به همین خاطر از آن به عنوان اصلی‌ترین علت توسعه یاد می‌کنند.

بر این اساس نهاد گاهی به سازمانها، قوانین پایه، گاهی به یک فرد یا یک موقعیت و حتی گاهی به موارد جزئی نظیر یک قرارداد اطلاق و تعاریف مختلف نهاد، برداشت‌های کم‌وبیش متفاوتی را از ماهیت واقعیت اجتماعی و نظم اجتماعی یادآور می‌شود (بوون و دکلرک، ۲۰۱۸).

از سوی دیگر، کارآفرینی نیز از مسائل بسیار مهم در روند رشد و توسعه اقتصادی کشور به شمار می‌آید که البته در قالب‌های متفاوتی نمایان می‌شود (پارکر، ۲۰۰۵). کشف و ایجاد فناوری‌های جدید یا از دور خارج کردن فناوری‌های کهنه و قدیمی تولید، معرفی کالاهای جدید، یادگیری روش‌های کم‌هزینه به منظور توزیع کالاها و خدمات، و فراهم کردن

1. North
2. Veblen

است که آن‌ها را به مثابه قوانین بازی تعریف می‌کند (نورث، ۱۹۹۰). بر طبق تمثیل نورث، اگر سازمان‌ها را همچون تیمی فرض کنیم که اعضای دارند و آن اعضا هم هدف مشترکی را دنبال می‌کنند، آن‌گاه قوانین ناظر بر کارکرد آن تیم با سازمان، نحوه همکاری آن با دیگر سازمان‌ها و نیز چگونگی رقابت با سازمان‌هایی که همان اهداف را دنبال می‌کنند، از قوانین و قواعدی پیروی می‌کنند که نهاد نامیده می‌شود. قوانین رسمی، از جمله قانون اساسی، قوانین مصوب در پارلمان، آیین‌نامه‌های دولتی و بخشنامه‌ها، و قوانین غیر رسمی از جمله عرف، میثاق‌های محلی و قومی، آداب و رسوم، اخلاق و ایدئولوژی، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که نورث آن را ماتریس نهادی^۳ جامعه می‌نامد. این ماتریس و اجزای آن، کیفیت عملکرد فردی و اجتماعی افراد، سازمان‌ها و کل جامعه را رقم می‌زند.

به طور کلی می‌توان گفت نهادهای رسمی توسط سازمان‌هایی که عموماً مورد پذیرش هستند (دادگاه‌ها، قانون‌گذارها، دیوان‌ها) و نیز قوانین اجباری اعمال شده توسط دولت (قانون اساسی، قوانین و دستورالعمل‌ها)، منتقل و اعمال می‌شود. از سویی دیگر نهادهای غیررسمی عموماً قوانینی نانوشته هستند که خارج از فضای رسمی جامعه اعمال می‌شوند. نهادهای غیررسمی نسبت به نهادهای رسمی سرعت تغییر بسیار کمتری دارند.

عوامل نهادی با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌کنندگی راهبردی، بر عملکرد کسب و کارهای جدید مخاطره‌پذیر تأثیر گذارند؛ تا هنگامی که نهادها به قدر کافی توسعه نیافته‌اند، یکی از سازوکارهای مورد استفاده کارآفرینان، تدبیر کارآفرینانه است؛ چراکه

اگر بستر نهادی به گونه‌ای باشد که سود تقریبی در فعالیت‌های غیرسازنده زیاد باشد، در آن صورت کارآفرینان از این فرصت نیز استفاده خواهند کرد. این در حالی است که برخلاف فرصت‌های سازنده، فرصت‌های غیرسازنده باعث به وجود آمدن رکود اقتصادی و فساد می‌شوند. به طور کلی می‌توان گفت که، نهادها به فرصت‌های کارآفرینی شکل می‌دهند و از این طریق تأثیراتی حقیقی بر مهارت و کارآمدی نظام اقتصادی می‌گذارند. از سوی دیگر، این بینش هم وجود دارد که کارآفرینی از جنبه‌های مختلف بر نحوه شکل‌گیری، اصلاح یا تغییر انواع نهادها تأثیر گذار است.

با توجه به اهمیت نهادها و فعالیت‌های کارآفرینانه در فرایند توسعه اقتصادی کشورها این مطالعه به بررسی رابطه دوسویه کارآفرینی و نهادها می‌پردازد. از ویژگی‌های مطالعه حاضر به چالش کشیدن این فرض است که همواره کارآفرینان حضور داشته و نقش متناسبی را ایفا می‌کنند. در واقع این نقش‌ها میان طیف گسترده‌ای از وضعیت‌های مختلف که کارآفرینان قادر به ایفا کردن آن‌ها هستند، قرار می‌گیرند که البته برخی از آن‌ها لزوماً با اقدامات نوآورانه همسو نیستند. بی‌تردید در مواردی رفتارهای غیرمولد کارآفرینان موجب آسیب اقتصادی می‌شود. در این بررسی تمرکز اصلی بر نحوه توزیع فعالیت‌های کارآفرینانه در یک جامعه و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی آن جامعه است.

۱. ادبیات موضوع

۱-۱. کارکردهای نهادها

یکی از مهم‌ترین تعاریف نهاد مربوط به نورث

3. Institutional matrix

مختلف صنعت (بامول، ۱۹۹۰).

بامول نیز همانند شومپتر با دید نوآوری کارآفرینی را بررسی می‌کند. به اعتقاد وی، کارآفرین دارای قوه ابتکار و خلاقیت در یافتن روش‌هایی است که منجر به افزایش دارایی، قدرت و اعتبار وی می‌شود (بامول، ۱۹۹۰). از این رو، می‌توان گفت که از دیدگاه شومپتر و بامول، کارآفرینی به صورت نوآوری و رقابت‌پذیری مطرح می‌شود و زمانی که شرایط (نهادهای، فرهنگ و غیره) برای کارآفرینی مهیا شود، کارآفرینی از طریق نوآوری، تنوع منابع، اختراع و رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی تأثیر بسزایی دارد.

نئوکلاسیک‌ها نیز در مدل رشد برونزا، به کارآفرینی توجه کرده‌اند. مدل‌های رشد متفاوتی در دیدگاه نئوکلاسیکی وجود دارد، ولی نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی، بیشتر در قالب مدل رشد سولو^۷ (سولو، ۱۹۵۶) توضیح داده می‌شود. با توجه به نتایج اساسی مدل رشد سولو، انباشت سرمایه و وجود سرمایه‌های متفاوت بین کشورها بیانگر تفاوت رشد سرانه کشورها نیست. بر اساس آن، مدل الحاقی سولو با یک تابع تولید با بازدهی ثابت نسبت به مقیاس پایه‌گذاری شده که در آن، تولید، تابعی از سرمایه و نیروی کار مؤثر (مبتنی بر دانش) است.

نتایج مدل مذکور بیانگر آن است که اگر سرمایه و نیروی کار افزایش یابد، تولید نیز افزایش یافته و تعادل در نقطه‌ای دیگر پدید می‌آید، ولی نرخ رشد تولید تغییر نخواهد کرد و یگانه عاملی که موجب افزایش رشد اقتصادی خواهد شد، پیشرفت دانش است که یکی از مظاهر آن، پیشرفت فناوری است. کارآفرینی در مدل سولو به طور مستقیم وجود

آنان نمی‌توانند به‌سادگی با شرکت‌های تثبیت شده رقابت کنند، بلکه ناگزیرند با در نظر گرفتن تدبیر و کاردانی رقابت کنند (پنگ و وانگ، ۲۰۱۸).

۲-۱. کارآفرینی و توسعه اقتصادی

در اواخر قرن بیستم مباحث نظری مربوط به کارآفرینی بسیار حائز اهمیت بود و نسبت به سال‌های پیش از ۱۹۷۰ که این بحث مغفول مانده بود، پژوهش‌های فراوانی به‌ویژه در خصوص کارآفرینی و رشد اقتصادی انجام شد. در این مقاله بر اساس پژوهش‌های پیشین، ارتباط بین کارآفرینی و رشد اقتصادی از دیدگاه‌های متفاوت بررسی شده که مهم‌ترین آن‌ها، دیدگاه شومپتر^۴ و بامول^۵ است که بر نوآوری، تخریب خلاق، عدم تعادل و توسعه اقتصادی استوار است. شومپتر، کارآفرینی را موتور توسعه اقتصادی معرفی کرده است. به اعتقاد وی کارآفرینی، مجموعه ابداع‌ها و نوآوری‌هایی است که به اقتصاد، انرژی جدیدی برای رشد و موفقیت تزریق می‌کند. او معتقد بود نقش کارآفرین، تخصیص مجدد منابع با برهم زدن تعادل موجود است و این فرایند را که از طریق معرفی نوآوری‌های کارآفرینانه انجام می‌شود، تخریب خلاق نامیده است. اندیشه شومپتر از تخریب خلاق، روند رقابت‌پذیری است که در این اندیشه، کارآفرینان پیوسته در پی ایده‌هایی نو هستند که ایده‌های منسوخ رقبای آنان را شکست دهد. وی نوآوری‌های کارآفرینانه را شامل این موارد می‌داند: معرفی کالایی جدید، معرفی روش تولیدی جدید، افتتاح و گشایش بازاری جدید، ایجاد منبعی جدید برای عرضه مواد اولیه یا کالاهای نیمه‌ساخته^۶، ایجاد سازماندهی جدید در بخش‌های

4. Schumpeter

5. Baumol

6. Part manufactured goods

7. Solow growth model

دیدگاه دیگری که در ادبیات مربوط به کارآفرینی و رشد اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، دیدگاه نهادگرایی است. گولد (۱۹۷۲) معتقد است که به منظور بسط مدل‌های تعادلی ایستای رشد و توسعه اقتصادی، تلفیقی بین اقتصاد و تاریخ آن وجود دارد. در تاریخ اقتصاد، نهادها اغلب به عنوان عامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته‌اند. به اعتقاد نورث و توماس (۱۹۷۳) عواملی نظیر نوآوری، تحصیل و انباشت سرمایه، دلیل اصلی رشد به شمار نمی‌آیند. رشد فقط زمانی امکان‌پذیر است که سازمان‌ها و نهادهای موجود در اقتصاد کارا باشند و افراد با انگیزه‌هایی به سمت پذیرش فعالیت‌های مطلوب اجتماعی ترغیب شوند. به اعتقاد نورث، چارچوب نهادی، تعیین‌کننده اصلی ظهور کارآفرینی مؤثر بر رشد اقتصادی است. وی معتقد است که کارآفرین (عامل تحول اقتصادی) شخصی است که به انگیزه‌های تجسم‌یافته در قالب‌های نهادی پاسخ می‌دهد (نورث، ۱۹۹۰). افرادی نظیر بامول (۱۹۹۳)، کول (۱۹۴۹)، ونکرز، تریک و بويس (۱۹۹۷) بر اهمیت نهادهای کارا در خلق کارآفرینی مؤثر بر رشد اقتصادی بسیار تأکید کرده‌اند.

۳-۱. مطالعات تجربی پیشین

تحقیق در خصوص مباحث نهادی سابقه طولانی دارد و آدام اسمیت^۸ را می‌توان جزء نخستین کسانی دانست که در کتاب «ثروت ملل» به آن اشاره کرده است. تا سال‌های اخیر اقتصاد نهادگرایی معمولاً به نوشته‌های ثورستین ویلن، جان آر کامونس^۹، وسلی میچل^{۱۰} و پیروان آن‌ها اشاره داشت. این

ندارد، ولی می‌توان تشخیص داد که وجود عامل دانش در این مدل، بیانگر نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی است. عامل دانش در مدل مذکور، به طور دقیق تعریف نشده است و به عنوان عاملی برون‌زا در نظر گرفته می‌شود، ولی می‌توان گفت عوامل مؤثر بر دانش، بر رشد اقتصادی مؤثر خواهند بود. از آنجایی که کارآفرینی اثری بسزا بر دانش و پیشرفت فناوری دارد و موجب افزایش آن می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که در مدل مذکور، کارآفرینی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی است (کارلسون و همکاران، ۲۰۰۴).

از نخستین و مهم‌ترین مدل‌های رشد درون‌زا، مدل‌های رومر (۱۹۸۶، ۱۹۹۰)، لوکاس (۱۹۸۸) و گروسمن و هلپمن (۱۹۹۱) است. در تعدادی از مدل‌های مذکور از قبیل مدل لوکاس، سرمایه فیزیکی با سرمایه انسانی تفاوت دارد. این موضوع بیانگر آن است که در مدل‌های مذکور - نسبت به مدل‌های رشد نئوکلاسیک - اهمیت بیشتری به سرمایه انسانی داده شده است. بر اساس مدل‌های رشد درون‌زا که در آن‌ها عامل دانش درون‌زا فرض شده، رشد اقتصادی تحت تأثیر سرمایه‌گذاری بر دانش است. دانش ممکن است انواع گوناگون و منابع متفاوتی نظیر پژوهش‌های علمی پایه‌ای، پژوهش و توسعه شخصی و نوآوری داشته باشد، ولی نمی‌توان گفت که کارآفرینی به طور مستقیم در این مدل‌ها لحاظ می‌شود. برای مثال، کارآفرینی در مدل‌های رشد درون‌زای لوکاس و رومر به طور صریح بیان نشده است. استثنایی که در این زمینه وجود دارد، مدل گروسمن و هلپمن است. آن‌ها کل برنامه‌های پژوهش و توسعه و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری کارآفرینانی را که به حداکثر کردن سود آینده فکر می‌کنند، در مدل خود جای داده‌اند.

8. Adam Smith

9. John R. Commons

10. Wesley Mitchell

می‌گیرد که افراد جامعه از آن تبعیت می‌کنند. به نظر وی نهادها محدودیت‌های اعمال شده نوع بشر هستند که معاملات آن‌ها را شکل می‌دهد. او همچنین در دیدگاه خود بر فضای کلی نهادی در اقتصاد و نه صرفاً بر نهاد خاصی تأکید دارد. با رشد اقتصاد، نهادها شکلی رسمی‌تر به خود می‌گیرند اما لزوماً کارآمدتر نمی‌شوند؛ برای مثال نهادها ممکن است ابزاری برای تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفع جامعه باشند. به دلیل وجود آثار جانبی شبکه‌ای و صرفه‌جویی‌های ناشی از تنوع تولید، مسئله وابستگی به مسیر نهادی به وجود می‌آید. تغییر مسیر این وابستگی نیز بسیار دشوار است. در دیدگاه نهادی نورث مفاهیمی نظیر حقوق مالکیت، سیستم حقوقی، نهادهای غیررسمی، ساختارهای رسمی و غیررسمی حکم‌رانی و سنت‌های تاریخی مهم هستند. مباحث تجربی این موضوع قدمتی همانند مباحث نظری آن ندارد و هنوز در ابتدای راه است؛ در نتیجه لزوم تحقیق در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود.

برای نخستین بار، برو (۱۹۹۱) در مدل رشد خود با استفاده از شاخص ثبات سیاسی (آشوب، انقلاب و ترورهای سیاسی) به عنوان شاخص امنیت حقوق مالکیت، تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی را بررسی کرد. رودریک (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با بررسی نقش نهادها، موقعیت جغرافیایی و تجارت (ادغام در اقتصاد جهانی) در توسعه را مطرح کرد که کیفیت نهادی در بین این سه عامل، بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی دارد. عجم‌آغلو و جانسون (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به بررسی اهمیت نقش نهادهای حقوق مالکیت و نهادهای قراردادهای عملکرد اقتصادی به کمک تخمین‌های مدل رگرسیونی پرداختند. نتایج بررسی آن‌ها برای کشورهای منتخب در طول دهه

افراد گروه‌های مختلفی بودند که تحقیق‌هایشان موضوعات عام‌گوناگونی را منعکس می‌کرد که بیشتر انتقاد از اقتصاد اردکس بود. با بروز ناکارآمدی دیدگاه‌های نئوکلاسیکی صرف در حل مشکلات اقتصادی، تحقیقاتی در این حوزه آغاز شد و برای نخستین بار اصطلاح اقتصاد نهادگرایی جدید^{۱۱} توسط ویلیامسون (۱۹۷۵) به کار برده شد.

البته به لحاظ نظری اقتصاد نهادگرایی جدید ملهم از تحقیقات رونالد کوز، اولیور ویلیامسون و داگلاس نورث است. نکته کلیدی کوز (۱۹۳۷) در خصوص نهادها مسئله هزینه‌های معاملات و حقوق مالکیت است. بر اساس دیدگاه وی، هزینه معاملات صفر منجر به راه حل بازاری کارآمد می‌شود البته به این شرط که حقوق مالکیتی که به یک طرف اختصاص می‌یابد قابل اجرا و اعمال باشد. به بیان دیگر به این دلیل که برخی از فعالان اقتصادی در مقایسه با برخی دیگر دارای اطلاعات بیشتری هستند؛ از این موقعیت برای پیشبرد منافع خود استفاده می‌کنند. ایده مرتبط با این موضوع ایده عقلانیت محدود است که منجر به ایجاد فرصت‌هایی برای دیگران به دلیل محدودیت اطلاعات می‌شود. بنابراین محدود کردن فرصت‌طلبی منجر به ایجاد شرایط کارآمدتری می‌شود. از دید وی موانع مقابله با اطلاعات ناقص شامل ویژگی‌های دارایی‌ها و تکرار معامله است. ویژگی‌های کمتر دارایی و امکان تکرار معامله احتمال فرصت‌طلبی را کاهش می‌دهند. وی از حقوق مالکیت، سیستم حقوقی و ساختار حکمرانی بنگاه‌ها به منزله نکات کلیدی نهادها نام می‌برد.

نورث (۱۹۹۰) با بیان دیدگاهی کلی از نهادها آن‌ها را به مثابه قواعد بازی در جامعه در نظر

11. New Institutional Economics (NIE)

و داده‌های موجود در زمینه نهادها، کارآفرینی و رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶ پرداخت و با بررسی تمامی پیشینه پژوهشی این حوزه جمع‌بندی نظری و تجربی خود را عرضه و چنین نتیجه‌گیری کرد که نهادها از طریق عامل کارآفرینی بر رشد اقتصادی جوامع تأثیرگذار هستند؛ هرچند تعیین میزان دقیق تأثیر هر یک از عوامل نهادی بر کارآفرینی امری پیچیده است. او سرانجام درک رابطه میان نهادها، کارآفرینی و رشد اقتصادی را در فرایند سیاست‌گذاری‌های اقتصادی امری ضروری دانست.

رنانی و همکاران (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان «رأته الگوی برای رشد اقتصادی ایران: برخی ملاحظات نهادی» به بررسی نقش نهادها از طریق واردکردن متغیر معرف کیفیت نهادی در الگوی رشد و تخمین نتایج حاصل از آن به کمک الگوهای رگرسیونی پرداختند. در این مطالعه از شاخص‌های پول تقویت‌کننده قراردادهای، نسبت هزینه‌های امور عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی، نسبت هزینه‌های مربوط به حفاظت از حقوق مالکیت در اداره امور عمومی کشور به تولید ناخالص داخلی، تعداد پرونده‌های مختومه مربوط به چک‌های بلامحل و شاخص سرمایه اجتماعی استفاده شده است. نتایج حاصل از این بررسی بیانگر آن است که کیفیت نهادها تأثیری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی ایران دارند و بنابراین عاملی مؤثر در فرایند رشد به شمار می‌آید.

عیسی‌زاده و اکبرزاده (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی نقش نهادهای حاکمیتی در بین ۵۰ کشور منتخب بین سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۵ پرداختند. نهادهای مورد بررسی عبارت‌اند از: ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، حق اظهار نظر و

۹۰ بیانگر آن است که نهادهای حقوق مالکیت نقش برجسته‌ای در رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و توسعه مالی دارند. در حالی که نهادهای قراردادی نقش بارزی نداشته و تنها بر روش واسطه‌گری مالی تأثیر می‌گذارند.

بامول (۱۹۹۰) طی پژوهشی این فرض سنتی را که منابع و فعالیت‌های کارآفرینانه همواره و تحت هر شرایطی در رشد و توسعه یک کشور نقشی مثبت ایفا می‌کنند به چالش کشیده و برخی از این منابع و فعالیت‌ها را غیرمولد و حتی مخرب معرفی می‌کند. او همچنین بسیاری از ادبیات مبنی بر موضوع کارآفرینی، ویژگی‌های افراد، شبکه‌های به هم وابسته‌ای که این افراد تحت آن باهم در ارتباط‌اند، منابعی که گرد هم می‌آیند و فرصت‌هایی که در این فضای رقابتی به وجود می‌آید را مطالعه کرده است. او سرانجام نتیجه می‌گیرد که این نهادها یا قواعد بازی هستند که عایدات نسبی فعالیت‌های کارآفرینانه را تعیین می‌کنند و از این رو در فرایند توزیع منابع و فعالیت‌های کارآفرینانه نقشی تعیین‌کننده دارند.

از مطالعات اخیر این حوزه می‌توان به پژوهش چاده‌اوری و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان «نهادها و کیفیت کارآفرینی» اشاره کرد که طی آن داده‌های ۷۰ کشور منتخب برای سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ را بررسی کرده‌اند تا تأثیر ابعاد مختلف نهادهای رسمی و غیررسمی بر کمیت و کیفیت فعالیت‌های کارآفرینانه میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مشخص شود. نتایج این پژوهش بیانگر تأثیر مهم و چندجانبه نهادها بر کمیت و کیفیت فعالیت‌های کارآفرینانه یک کشور است. هرچند که ماهیت این تأثیر برای نهادها مختلف متفاوت است. همچنین اوروبانو و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای به بررسی تمامی پژوهش‌ها

خارجی. در این راستا از اطلاعات آماری ۲۲ کشور در حال توسعه در بازه زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۷ استفاده شد. اطلاعات مورد استفاده در این مطالعه از بانک جهانی و سازمان ملل گردآوری شده است.

تحقیق حاضر از روش‌های آماری و اقتصادسنجی برای آزمون فرضیات استفاده می‌کند. این روش شامل بررسی و تخمین مدل رگرسیونی است. هدف این تحقیق بررسی رابطه میان کارآفرینی و نهادها در کشورهای در حال توسعه است. برای این منظور از یک مدل رگرسیون چندمتغیره استفاده می‌شود. از این رو برای جلوگیری از انجام رگرسیون کاذب از آزمون ریشه واحد پنلی و سپس برای برازش مدل مورد نظر از روش حداقل مربعات معمولی^{۱۲} برای داده‌های تجمیع‌شده^{۱۳} استفاده شده است. همچنین با تخمین داده‌های پنلی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی آزمون مربوط به برازش به صورت داده‌های تجمیع‌شده یا پنلی بررسی می‌شود. در نهایت آزمون مربوط به رگرسیون با آثار ثابت^{۱۴} یا تصادفی^{۱۵} نیز انجام شده و رابطه متغیرها بررسی می‌شود.

۲-۱. آزمون ریشه واحد

وجود روندهای تصادفی در سری‌های زمانی تفسیر نتایج اقتصادسنجی، انتخاب روش تخمین و اعتبار پیش‌بینی‌های به عمل آمده به کمک الگو (مدل) را با مشکل مواجه می‌کند. به طور مشخص، با وجود روندهای تصادفی چه بسا آماره‌های تشخیصی به اشتباه بر وجود رابطه میان متغیرها دلالت کند. همچنین، ممکن است در این حالت،

پاسخگویی، کیفیت بروکراسی و اثربخشی دولت و همین طور شاخص ترکیبی آن‌ها که به عنوان حکمرانی خوب مطرح است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اثر ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است؛ حال آنکه حق اظهار نظر و پاسخگویی دارای اثر مثبت اما غیر معنی‌دار است؛ همچنین کشورهایی که دارای سطح حکمرانی خوب بالایی هستند، از رشد بالایی نیز برخوردارند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

هدف این مطالعه ارائه مدلی برای بررسی رابطه میان کارآفرینی و نهادها در برخی از کشورهای در حال توسعه است. در این بخش با بهره‌گیری از روش‌های آماری و ریاضی مناسب که با نوع متغیر (کمی) و مقیاس اندازه‌گیری (نسبی) داده‌ها سازگاری دارد، اطلاعات جمع‌آوری، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شد. این تحقیق با توجه به ماهیت آن از نوع نظری - تجربی است. در بخش تجربی، روش پاسخ به پرسش‌ها از طریق انجام رگرسیون صورت می‌گیرد. به منظور برآورد رابطه میان کارآفرینی و نهادها در کشورهای در حال توسعه با استفاده از مدل داده‌های پنلی، متغیر وابسته این تحقیق شاخص کیفیت نهادی در نظر گرفته شده است. این متغیر بر اساس میانگین متغیرهای شاخص نهادی اعم از اثربخشی دولت، کنترل فساد، پاسخگویی، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کیفیت بوروکراسی و شاخص خوداشتغالی به عنوان معیاری برای کارآفرینی به شمار می‌آید. همچنین متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی، درجه بازبودن اقتصادی، بی‌ثباتی اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم

12. Ordinary Least Squared (OLS)

13. Pooled

14. Fixed effect

15. Random effect

سطح نامانا و متغیرهای موجودی سرمایه فیزیکی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بی‌ثباتی اقتصادی در سطح مانا هستند.

۲-۲. آزمون هم‌انباشتگی

در ادامه پیش از برآورد مدل، صحت وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون هم‌انباشتگی بررسی می‌شود. پدرونی (۱۹۹۹)، (۲۰۰۴) هفت آزمون هم‌انباشتگی را در دو گروه کلی پیشنهاد کرده است که به عرض از مبدأ و ضرایب روند زمانی اجازه داده می‌شود که در بین واحدهای فردی متفاوت باشند. گروه اول مبتنی بر روش درون‌بُعدی بوده و مشتمل بر آماره -۷ پنلی، آماره - P پنلی، آماره - PP پنلی و آماره - ADF پنلی، هستند. گروه دوم که سه آماره P گروهی، PP گروهی و ADF گروهی را شامل می‌شود، مبتنی بر روش بین‌بُعدی است.

برای هر دو گروه، تحت فرضیه صفر، ناماناست و بین متغیرهای مدل ارتباط بلندمدت وجود ندارد، در صورتی که فرضیه مقابل مبتنی بر وجود بردار هم‌انباشتگی میان متغیرهاست. برای آماره‌های گروه اول فرضیه در مقابل فرضیه آزمون می‌شود. در صورتی که برای آماره‌های گروه دوم فرضیه در مقابل فرضیه آزمون می‌شود. نتایج آزمون هم‌انباشتگی در جدول شماره ۲ آمده است.

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، برای دو حالت مورد نظر، اکثر مقادیر سطح خطای گزارش شده برای آماره‌های پدرونی کمتر از پنج درصد یا ۰/۰۵ است و فرضیه صفر رد می‌شود. بنابراین می‌توان بیان کرد که بین متغیرهای نامانا رابطه بلندمدت وجود دارد.

معادلات اقتصادسنجی با استفاده از فن‌هایی برآورد شوند که برای داده‌های مورد نظر مناسب نباشند. به علاوه، پیش‌بینی‌هایی که بر اساس الگو انجام می‌شود، می‌تواند دچار تورش شود. در سال‌های اخیر، متخصصان اقتصادسنجی، به آثار نامطلوب روندهای تصادفی در سری‌های زمانی بر نتایج تخمین‌های حداقل مربعات معمولی توجه کرده‌اند و به معرفی روش‌های نوینی برای رفع آن‌ها همت گمارده‌اند. در صورت وجود روندهای تصادفی، حتی در مواردی که بین متغیرها هیچ‌گونه رابطه واقعی وجود ندارد، فن‌های متداول نظیر روش حداقل مربعات معمولی چه‌بسا رابطه معناداری را میان آن‌ها نشان دهد. چنین رگرسیون‌هایی به رگرسیون‌های کاذب معروف هستند.

قبل از مدل‌سازی تحقیق برای جلوگیری از انجام رگرسیون‌های کاذب در تحقیق ابتدا مانایی متغیرها بررسی می‌شود که برای این منظور از آزمون ایم، پسران و شین^{۱۶} استفاده شده است. با استفاده از آزمون‌های صورت گرفته، این موضوع که آیا سری‌های زمانی مورد استفاده فرایندی مانا (با مرتبه انباشتگی صفر) یا واگرا (با مرتبه انباشتگی غیر صفر) دارند، بررسی شده است. برای این منظور آزمون ریشه واحد بر متغیرهای تحقیق بررسی می‌شود. آزمون ریشه واحد در حالت وجود عرض از مبدأ و روند انجام شده است. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که متغیرهای کیفیت نهادی، کارآفرینی، سرمایه انسانی و درجه بازبودن اقتصادی در سطح خطای پنج‌درصدی به دلیل اینکه احتمال گزارش شده برای این متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد قرار دارد. در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد نشده، این متغیرها در

16. Im, Pesaran and Shin Test

جدول ۱. آزمون ریشه واحد متغیرهای تحقیق

آزمون ایم، پسران و شین (IPS)		متغیرها
احتمال	آماره آزمون	
۰/۳۹	-۰/۲۷	کیفیت نهادی
۰/۰۸	-۱/۴۰	کارآفرینی
۰/۰۰	-۳/۳۴	موجودی سرمایه فیزیکی
۰/۱۹	-۰/۸۵	سرمایه انسانی
۰/۰۰	-۳/۳۳	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
۰/۹۴	-۱/۵۷	درجه بازبودن اقتصادی
۰/۰۰	-۵/۲۱	بی ثباتی اقتصادی

۳. یافته‌های پژوهش

نهادهای کشورهای مختلف متفاوت است؛ بنابراین به آثار ثابت و تصادفی نیز در مدل توجه می‌شود. با این توضیح ابتدا فرض می‌شود که آثار متغیرهای مختلف مربوط به کشورهای مدنظر در این تحقیق تأثیر یکسانی بر متغیر وابسته داشته باشند. به عبارت دیگر تأثیر متغیر مستقل کشور آم یا کشور زام به متغیر وابسته کشور آم یا کشور زام تأثیر یکسانی خواهند داشت. همچنین عرض از مبدأ مدل نیز در بین مقاطع (کشورهای) مختلف، یکسان است.

برای تشخیص اینکه از روش ترکیبی استفاده شود یا از روش داده‌های پنلی، به آزمون F یا لیمر^{۱۷} رجوع می‌شود. در صورتی که آزمون لیمر استفاده از داده‌های پنلی را مجاز دانست، آن گاه باید از روش آثار تصادفی یا از مدل با آثار ثابت استفاده شود که در این صورت باید از آزمون هاسمن^{۱۸} استفاده شود. با توجه به آماره F، فرض صفر عرض از مبدأ و شیب

به منظور بررسی رابطه دو سویه کارآفرینی و نهادها در کشورهای در حال توسعه ابتدا ساده‌ترین حالت در نظر گرفته می‌شود. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، فرض می‌شود که عرض از مبدأها و ضرایب بین مقاطع و دوره‌ها یکسان اما جملات خطا در طول دوره‌ها و بین خطاها متفاوت باشند. این ساده‌ترین رهیافتی است که با روش حداقل مربعات معمولی (OLS) نیز قابل تخمین است. نکته مهم و شاید مهم‌ترین نقطه ضعف این است که ثابت در نظر گرفتن ضرایب محدودیت بالایی است و ممکن است به خطای تصریح مدل منجر شود؛ یعنی نمی‌توان رابطه واقعی بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی را تخمین زد. از این رو باید طبیعت مقاطع را نیز دخالت داد؛ البته این به مفهوم نادرست بودن رویکرد نیست. به عبارت دیگر ممکن است آثار مقاطع بر متغیر وابسته یکسان باشد. در ادامه فرض می‌شود که رابطه بین کارآفرینی و

17. Limer

18. Hussman test

جدول ۲. نتایج آزمون هم‌انباشتگی پنلی

متغیر وابسته کیفیت نهادی		آماره‌های آزمون
بدون روند زمانی	با روند زمانی	آماره‌ها
(۰/۷۱)	(۰/۹۸)	آماره - ۷ پنلی
(۰/۷۵)	(۰/۹۹)	آماره - ρ پنلی
(۰/۰۰)	(۰/۰۱)	آماره - PP پنلی
(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	آماره - ADF پنلی
(۰/۹۹)	(۱/۰۰)	آماره ρ گروهی
(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	آماره PP گروهی
(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	آماره ADF گروهی

منبع: یافته‌های تحقیق. اعداد داخل پرانتز مقدار سطح معنی‌داری را نشان می‌دهد.

صفر بیانگر استفاده از روش آثار ثابت است. از این رو آزمون هاسمن برای مدل‌های مختلف با متغیرهای توضیحی متفاوت انجام می‌گیرد. نتایج آزمون هاسمن که در جدول شماره ۴ آمده که مربوط به معادله کیفیت نهادی و کارآفرینی گزارش شده است، دال بر عدم رد فرضیه صفر و انتخاب روش آثار تصادفی برای معادلات ذکر شده است.

۳-۱. تخمین الگو به تفکیک متغیرهای به کاررفته در مدل

به منظور بررسی رابطه دوسویه میان کارآفرینی و نهادها در کشورهای در حال توسعه از روش داده‌های پنلی با آثار تصادفی استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

در مدل برآوردشده اعداد داخل پرانتز بیانگر سطح معنی‌داری‌اند که چنانچه کمتر از ۰/۰۵ باشند بیانگر آن است که ضریب برآوردشده اختلاف معنی‌داری از صفر دارد. در مدل برآوردشده شدت اثرگذاری

یکسان برای تمام واحدها در مقابل مدل پنل آزمون خواهد شد. نتایج مندرج در جدول شماره ۳ برای مدل تحقیق ارائه شده است.

بر اساس این جدول ملاحظه می‌شود که آزمون F و احتمال آن فرضیه وجود آثار ثابت در مقابل وضعیت تجمیع‌شده را رد نمی‌کند. به عبارت دیگر از آنجا که سطح معنی‌داری به دست آمده در هر دو آزمون F و کای دو کمتر از ۰/۰۵ است. پس فرضیه صفر مبنی بر زائدبودن آثار ثابت در مدل رگرسیون در سطح پنج درصد (و ۱۰ درصد) رد می‌شود. بنابراین برآورد مدل به صورت داده‌های پنلی با آثار ثابت به برآورد مدل به صورت داده‌های تجمیع‌شده ارجحیت دارد.

در این بخش باید از بین دو روش تخمین داده‌های پنلی که به دو صورت روش آثار ثابت و آثار تصادفی است، یکی انتخاب شود. به منظور تعیین روش تخمین در داده‌های پنلی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. براساس این آزمون، رد فرضیه

جدول ۳. آزمون تشخیصی در مورد برآورد مدل به صورت داده‌های تجمیع‌شده یا پنلی با آثار ثابت

معادله	F	سطح معنی‌داری
معادله کیفیت نهادی	۱۸/۳۴	۰/۰۰۰
معادله کارآفرینی	۷۸/۳۵	۰/۰۰۰

جدول ۴. آزمون تشخیصی برآورد مدل داده‌های پنلی با آثار ثابت و داده‌های پنلی با آثار تصادفی

معادله	کای‌دو	سطح معنی‌داری
معادله کیفیت نهادی	۵/۲۰	۰/۵۱
معادله کارآفرینی	۰/۶۱	۰/۹۹

در هر دو معادله برآوردشده مثبت و معنی‌دار و به ترتیب در معادله کارآفرینی و کیفیت نهادی برابر ۰/۸۳۴ و ۰/۶۴۳ است. درنهایت، ضریب متغیر بی‌ثباتی اقتصادی در هر دو معادله برآوردشده منفی و معنی‌دار و به ترتیب در معادله کارآفرینی و کیفیت نهادی برابر ۰/۰۱۷ و ۰/۰۰۴ است.

آماره‌های خوبی برازش مدل رگرسیونی از قبیل ضریب تعیین بیانگر قدرت توضیح‌دهندگی ۰/۵۳ و ۰/۹۰ درصدی مدل برآورد شده است. آماره F و مقدار سطح معنی‌داری گزارش‌شده برای این آماره بیانگر معنی‌داری کل رگرسیون برازش شده بوده و درنهایت آماره دوربین - واتسون بیانگر عدم وجود خودهمبستگی شدید در جملات اخلاص مدل رگرسیونی است. در انتها به بررسی رابطه علیت گرنجری بین متغیرهای کارآفرینی و کیفیت نهادی پرداخته و نتایج آن در جدول شماره ۶ ارائه شده است. نتایج بیانگر این است که رابطه علی دوسویه‌ای بین متغیرها وجود دارد.

شاخص کارآفرینی بر کیفیت نهادی مثبت و معنی‌دار و معادل ۰/۰۴۴ است و بیانگر آن است که با افزایش در خوداشتغالی به عنوان شاخصی برای کارآفرینی میانگین کیفیت نهادی در این کشورها افزایش یافته است. شدت اثرگذاری کیفیت نهادی بر کارآفرینی مثبت و معنی‌دار و معادل ۰/۳۲۰ است و بیانگر آن است که با بهبود در شرایط نهادی کشور میزان کارآفرینی افزایش می‌یابد.

میزان اثرگذاری متغیر موجودی سرمایه فیزیکی در مدل برآوردشده در معادله کارآفرینی بی‌معنی بوده، اما در معادله کیفیت نهادی مثبت و معنی‌دار معادل با ۰/۰۰۶ و بسیار اندک است. ضریب متغیر سرمایه انسانی در معادله کارآفرینی مثبت و معنی‌دار و معادل با ۱/۰۷۵ بوده اما این متغیر در معادله کیفیت نهادی در این گروه از کشورها بی‌معنی است. ضریب اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو مدل برآوردشده مثبت و معنی‌دار و به ترتیب در معادله کارآفرینی و کیفیت نهادی معادل ۰/۱۳۱ و ۰/۱۵۵ است. ضریب متغیر درجه بازبودن اقتصادی

جدول ۵. بررسی رابطه دوسویه میان کارآفرینی و نهادهای در کشورهای در حال توسعه

سطح معنی‌داری		نام متغیر
ضریب کیفیت نهادی	ضریب کارآفرینی	
-	۰/۳۲۰ (۰/۰۰۴)	کیفیت نهادی
۰/۰۴۴ (۰/۰۴۳)	-	کارآفرینی
۰/۰۰۶ (۰/۰۰۲)	۰/۰۰۶ (۰/۳۱۰)	موجودی سرمایه فیزیکی
۰/۰۴۸ (۰/۱۷۹)	۱/۰۷۵ (۰/۰۰۰)	سرمایه انسانی
۰/۱۵۵ (۰/۰۰۰)	۰/۱۳۱ (۰/۰۰۰)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۰/۶۴۳ (۰/۰۰۰)	۰/۸۳۴ (۰/۰۰۱)	درجه بازبودن اقتصادی
-۰/۰۰۴ (۰/۰۴۲)	-۰/۰۱۷ (۰/۰۱۱)	بی‌ثباتی اقتصادی
۵/۵۹۱ (۰/۰۰۰)	۶/۴۶۱ (۰/۰۰۰)	عرض از مبدأ
ضریب تعیین: ۰/۹۰ آماره F (احتمال): ۸۷/۹۴ (۰/۰۰۰) آماره دوربین - واتسون: ۱/۸۴	ضریب تعیین: ۰/۵۳ آماره F (احتمال): ۵۰/۹۷ (۰/۰۰۰) آماره دوربین - واتسون: ۱/۷۱	آماره‌های خوبی برازش

۴. بحث و نتیجه‌گیری

فعالیت‌هایی نظیر رانت‌خواهی از طریق فرایندهای قانونی و حقوقی هستند.

تأمل در مجموعه نظریه‌ها نشان می‌دهد که در ادبیات اقتصادی، با دو پارادایم (الگو) متفاوت در تبیین کارآفرینی مواجه هستیم؛ در یک سو الگوی نئوکلاسیک قرار دارد که کارآفرینی را فقط تحت تأثیر قیمت‌های نسبی می‌داند و در سوی دیگر، الگویی وجود دارد که با وجود تنوع نظریات در آن، همگی بر نقش نهادها در کارآفرینی تأکید می‌کنند. در واقع، در حالی که نظریه نئوکلاسیک، کارآفرینی را عامل مهمی در توسعه کشورها تلقی می‌کند، نظریه نهادی، محیط کشورها، یا به عبارت دقیق‌تر، محیط نهادی کشورها را نیز عامل مهمی در کارآفرینی می‌داند. بنابراین، در تقابل با نظریات نئوکلاسیک و

هدف مقاله حاضر بررسی رابطه دوسویه نهادها و کارآفرینی است. برای این منظور از روش داده‌های پنلی برای ۲۲ کشور در حال توسعه برای دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۷ استفاده شد. نتایج این مطالعه بیانگر تأثیرگذاری مثبت و معنی‌دار شاخص کارآفرینی و نهادها بر یکدیگر بوده و این ارتباط به صورت متقابل و دوطرفه است و نیز می‌توان گفت که نهادها تعیین‌کننده مهمی در نحوه توزیع کارآفرینی در مسیرهای مولد یا نامولد به شمار می‌آیند که این خود تأثیر بسزایی در نیروی اقتصاد برای حرکت به سمت و سوی رشد دارد. به هر حال نمی‌توان انکار کرد که قوانین بازدارنده و فرایندهای قانونی موجود در یک جامعه شاخص‌های اصلی میزان سودآوری

جدول ۶. آزمون علیت گرنجری میان کارآفرینی و نهادها در کشورهای در حال توسعه

سطح معنی‌داری	F	فرضیه صفر
۰/۰۰۰	۴/۳۷	کیفیت نهادی علیت گرنجری برای کارآفرینی نیست
۰/۰۰۰	۵/۴۰	کارآفرینی علیت گرنجری برای کیفیت نهادی نیست

دوم محیط نهادی، مجموعه‌ای از قواعد رسمی و غیررسمی است که تحول آن‌ها زمانبر است و با تغییر قواعد رسمی، لزوماً راه برای کارآفرینی هموار نمی‌شود و این تغییر در زمانی طولانی و تحت تأثیر عواملی مختلف رخ می‌دهد. از جمله مهم‌ترین این عوامل، یادگیری است که لازم است در مطالعات آینده به طور مشخص مورد توجه و بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب، توجه به رویکرد نهادی در کارآفرینی، راه را برای مطالعات آینده نیز هموار می‌کند.

۴-۱-۱. توصیه‌های سیاست‌گذاری در کشور ایران

طی پژوهش حاضر و پس از نگاهی به ادبیات محققان در این زمینه و نیز با بررسی وضعیت عملکرد کشور ایران در شاخص‌های کارآفرینی جهانی نتیجه می‌گیریم که وجود فعالیت‌های غیرمولد در اقتصاد جدی بوده و تبعاتی اعم از گسترش بخش غیررسمی در اقتصاد، توزیع درآمد ناعادلانه، کاهش رشد اقتصادی و رفاه جامعه و تضعیف بخش تولید را با خود به همراه دارد و از این رو نمی‌توان به راحتی از آن چشم‌پوشی کرد و ضروری است برای جلوگیری از حضور آن در اقتصاد کشور چاره‌های اندیشید. همچنین وجود این بخش می‌تواند موجب تغییر ساختار انگیزشی کارآفرینان و سوگیری آن‌ها به سمت فعالیت‌های نامولد یا حتی مخرب شود. در واقع می‌توان گفت که اقتصاد شامل طیفی از فعالیت‌هاست که برخی مولدتر، برخی

نهادگرایی می‌توان به رابطه دوسویه میان توسعه و کارآفرینی و وابستگی متقابل بین این دو پی برد. با مقایسه آرای نورث و تئوری پردازان کارآفرینی، می‌توان به این نتیجه دست یافت که نهادها، یا به طور دقیق‌تر کیفیت نهادی، بر عملکرد اقتصادی اثر مهمی دارد. کیفیت نهادی در هر تئوری و مدل کارآفرینی وجود دارد. از منظر سیاست‌گذاری نیز رویکرد نهادی بیانگر آن است که توسعه کارآفرینی، مستلزم کیفیت نهادی مطلوب است و تا اصلاحات لازم در نهادها انجام نشود، سازوکار قیمت‌ها نمی‌تواند کارآفرینی که موتور توسعه است را تشویق و حمایت کند. از سوی دیگر، سیاست‌های مختلف توسعه‌ای نیز تحت تأثیر کیفیت نهادی قرار می‌گیرند.

مهم‌ترین محدودیت تحقیق حاضر در گردآوری اطلاعات آماری و تعداد کشورهایی بوده که اطلاعات کامل داشته‌اند. علاوه بر این با توجه به اینکه ساختار کشورهای در حال توسعه در کارکردهای نهادی متفاوت است، نتایج این مطالعه باید با احتیاط برای هریک از کشورها به صورت مجزا بررسی شود.

۴-۱-۲. دلالت‌های سیاست‌گذاری

رویکرد نهادی به کارآفرینی، دو دلالت عمده سیاستی دارد؛ نخست آنکه، محیط نهادی حوزه و گستره کارآفرینی را تعیین می‌کند. از این رو، ارزیابی سیاست‌های کارآفرینی، مستلزم ارزیابی محیط نهادی در سازوکارهای اثرگذاری بر کارآفرینی است.

منابع به سمت تولید حرکت کند و وظیفه نهادهای حاکمیتی در این وضعیت، به‌صرفه‌کردن فعالیت‌های مولد نسبت به فعالیت‌های غیرمولد با استفاده از سازوکارها و قوانین و سیاست‌گذاری است. از این رو پی‌گیری هم‌زمان دو راهبرد افزایش هزینه فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی و کاهش هزینه فعالیت‌های مولد اقتصادی به صورت هم‌زمان ضروری است.

برای افزایش هزینه فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی که در فضای اقتصاد کشور ما سوددهی بالایی دارند، اما در پیشرفت کشور و بهبود شرایط اقتصادی برای عموم جامعه نقشی منفی ایفا می‌کنند، لازم است دولت و نهادهای سیاست‌گذاری و اجرایی کشور سازوکار نهادی کشور را به گونه‌ای محتواسازی کنند که موجب تقویت ساختار انگیزشی کارآفرینان در جهت انجام فعالیت‌های مولد باشد و از این طریق وضعیت رشد و توسعه اقتصادی کشور را بهبود بخشند. علاوه بر این راهکارهای دیگری در راستای افزایش هزینه‌های فعالیت‌های نامولد نظیر وضع مالیات و غیره نیز وجود دارد که در کنار سیاست‌های کاهش هزینه‌های فعالیت‌های مولد مانند کاهش هزینه‌های بروکراتیک کسب و کارهای نوپا، معافیت‌های مالیاتی یا تسهیل فرایندهای تأمین مالی بانکی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر توزیع فعالیت‌های کارآفرینانه در کشور داشته باشد. در این میان توجه به نقش کلیدی بانک‌ها و نهادهای مالی در توزیع منابع میان انواع فعالیت‌های کارآفرینانه ضروری است. امروزه شاهد عملکرد ضعیف نهادهای مالی و نیز توجه و اهدای تسهیلات آن‌ها به فعالیت‌های نامولد در جامعه هستیم که تأثیر زیادی در توزیع فعالیت‌های کارآفرینانه به سمت غیرمولد و مخرب دارد. اصلاح

کمتز مولد و برخی غیرمولد هستند و با تشخیص این‌ها باید جهت بهبود رشد اقتصادی حمایت از فعالیت‌های مولدتر را افزایش داده و بخش‌های غیرمولد را جهت جلوگیری از آثار منفی آن بر اقتصاد تضعیف کرد؛ برای مثال در بخش زمین و مسکن، ساخت برج، پاساژ و مسکن متناسب برای خانوار و نیز خرید زمین و نگهداری آن، فعالیت‌هایی هستند که می‌توان انجام داد.

با نگاهی به شرایط اقتصاد می‌توان دید که برای جلوگیری از افزایش سرسام‌آور قیمت مسکن لازم است تا عرضه مسکن متناسب برای خانوار افزایش یابد؛ از این رو این بخش در مقابل خرید زمین یا ساخت برج و پاساژ مولدتر به شمار آمده، اولویت دارد و ضروری است که تسهیلات و حمایت‌ها بیشتر به سمت این حوزه تخصیص یابد؛ اما مشاهده می‌شود که تسهیلات بانکی به دلیل سودده بودن خرید زمین و نگهداری آن یا ساخت برج و پاساژ به این سمت حرکت کرده و به سمتی که اقتصاد جهت رشد و کنترل تورم به آن نیاز دارد، نمی‌رود. بنابراین حمایت از فعالیت‌های مولد اقتصادی که منجر به افزایش ثروت در جامعه می‌شود و تضعیف فعالیت‌های غیرمولدی که نه تنها منجر به افزایش ثروت در اقتصاد نمی‌شود، بلکه توزیع درآمد را نیز ناعادلانه می‌کند، از جمله مسائلی است که پرداختن به آن در بهبود وضعیت اقتصادی کشورها، به‌ویژه اقتصاد ایران که با فعالیت‌های غیرمولد قوی و سودده در کنار تورم بالا و نااطمینانی و بی‌ثباتی در چالش است حائز اهمیت است.

برای هدایت منابع به سمت تولید و فعالیت‌های مولد اقتصادی، ضروری است سیاست‌هایی اتخاذ شود تا سودآوری فعالیت‌های مولد بیشتر از فعالیت‌های غیرمولد باشد؛ تا به صورت طبیعی،

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمامی مسئولیت این مقاله به عهده نویسنده مسئول (آترینا اورعی) است.

تعارض منافع

براساس اعلام نویسندگان، ایشان هیچ گونه تعارض منافی در این پژوهش ندارند.

وضعیت اعطای تسهیلات مالی توسط سیاست‌های هم‌راستای پولی و مالی جهت بازتوزیع این فعالیت‌ها امری ضروری و حائز اهمیت است.

راجر (۱۹۸۱) در مطالعه‌ای به راهکارهای اعمال شده در اقتصاد آمریکا در دوران رکود تورمی دهه ۱۹۷۰ پرداخته است. به نظر وی آنچه توانست وضعیت اقتصاد آمریکا را از رکود تورمی در آن زمان خارج کند، کاهش نرخ مالیات از شرکت‌های تحقیق و توسعه و پیشروی تولید، اعطای تسهیلات ارزان قیمت به آن‌ها و پایین نگه داشتن نرخ بهره بر اساس سیاست‌های پولی قاعده‌مند و هدف محور بود. از این رو در شرایط اقتصاد ایران نیز لازم است تا با تضعیف فعالیت‌های غیرمولد و استفاده از راهکارهای نرم‌افزاری نظیر وضع مالیات، کاهش اعطای تسهیلات و غیره سرمایه‌گذاران و کارآفرینان را به سمت حوزه‌های مولد و مولدتر حرکت داد؛ تا از این طریق علاوه بر افزایش سطح کلی فعالیت‌های کارآفرینانه در کشور، توزیع آن‌ها نیز به سمت فعالیت‌های مولد با تأثیر مثبت بر وضعیت رشد و اقتصادی کشور باشد. تنها در این شرایط است که می‌توان از تأثیر مثبت سطح کارآفرینی در کشور بر شاخص‌های کلان اقتصادی اطمینان حاصل کرد و به بدنه اقتصاد کشور را ثبات بخشید.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

با توجه به شیوه پژوهش و روند آن، ملاحظات اخلاقی قابل توجهی جهت گزارش وجود ندارد. این پژوهش دارای رضایت‌نامه نیست؛ چراکه شامل پژوهش میدانی نبوده و روش آن نیازی به رضایت‌نامه نداشته است.

منابع فارسی

احمدی، سید وحید (۱۳۸۷)، «بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های فضای کسب و کار در ایران و جهان، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۰.

باصری، بیژن، میثم شاه حسینی (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر محیط کسب و کار بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای منتخب خاورمیانه)»، فصلنامه علوم اقتصادی، شماره ۱۰.

مشهدی احمد، محمود (۱۳۹۲)، «معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی)، شماره ۴۸، صفحات ۴۹ - ۷۷.

References

- Acemoglu D. (1995), "Reward Structures and the Allocation of Talent", *European Economic Review*, 39 (1): 17-33. [DOI:10.1016/0014-2921(94)00014-Q]
- Acemoglu D., Johnson S., and Robinson J. A. (2005), Institutions as the Fundamental Cause of Long-Run Growth, in Aghion P. and Durlauf S. (eds.), *Handbook of Economic Growth*, Amsterdam: Elsevier, pp. 385-472 [DOI:10.1016/S1574-0684(05)01006-3]
- Acs J., Desai S., and Hessels J. (2008), "Entrepreneurship, economic development and institutions", *Small Bus Econ* (2008) 31:219-234 [DOI:10.1007/s11187-008-9135-9]
- Acs, Z. J. & Armington, C. (2006) *Entrepreneurship, geography and American economic growth*, Cambridge: Cambridge University Press. [DOI:10.1017/CBO9780511510816]
- Acs, Z. J. & Stenholm, P. (2008) A global entrepreneurship index using GEM data, School of Public Policy, George Mason University, Mimeo
- Acs, Z. J. (2006) How is entrepreneurship good for economic growth? *Innovations*, (1) 97-107. [DOI:10.1162/itgg.2006.1.1.97]
- Bamoul, William J. (1990), "Entrepreneurship: Productive, Unproductive and Destructive." *Journal of Political Economy*, 98(5): 893 - 921. [DOI:10.1086/261712]
- Baumol W. J. (2010), *The Microtheory of Innovative Entrepreneurship*, Princeton, NJ: Princeton University Press [DOI:10.1515/9781400835225] [PMID]
- Baumol, W. J.; Litan, R. E. & Schramm, C. J. (2006) *Good capitalism bad capitalism: And the economics of growth and prosperity*, New Haven: Yale University Press. [DOI:10.2139/ssrn.985843]
- Boettke P. J. and Coyne C. J. (2003), "Entrepreneurship and Development: Cause or Consequence?", *Advances in Austrian Economics*, 6: 67-87 [DOI:10.1016/S1529-2134(03)06005-8]
- Bowen, H. P., & De Clercq, D. (2018). "Institutional context and the allocation of entrepreneurial effort". *Journal of International Business Studies*, 39(4), 747-767. [DOI:10.1057/palgrave.jibs.8400343]
- Douhan R. and Henrekson M. (2010), "Entrepreneurship and Second-Best Institutions: Going Beyond Baumol's Typology", *Journal of Evolutionary Economics*, 20 (4): 629-643 [DOI:10.1007/s00191-010-0174-4]
- Easterly, W. (2001) The lost decade: "Developing countries' stagnation in spite of policy reform 1980-1998", *Journal of Economic Growth*, 6: 135.
- Henrekson, Magnus and Tino Sanandaji, "The Interaction of Entrepreneurship and Institutions" in *Journal of Institutional Economics*, 2011, pages 47-75 [DOI:10.1017/S1744137410000342]
- Hessels, J.; Van Gelderen, M., & Thurik, R. (2008) Entrepreneurial aspirations, motivations and their drivers. *Small Business Economics*, 31(3), this issue. [DOI:10.1007/s11187-008-9134-x]
- Holcombe, Randall G. (1998) "Entrepreneurship and Economic Growth", *Quarterly Journal of Austrian Economics* 1(2), pp: 45-62. [DOI:10.1007/s12113-998-1008-1]
- Holcombe, Randall G. (2003) The Origins of Entrepreneurial Opportunities, *Review of Austrian Economics* 16(1), 25-43. [DOI:10.1023/A:1022953123111]
- Kirzner, I. M. (1979) *Perception, opportunity and profit: Studies in the theory of entrepreneurship*, Chicago: University of Chicago Press.
- Kirzner, Israel M. (1973) *Competition and Entrepreneurship*, Chicago: University of Chicago Press.
- Kirzner, Israel M. (1999) Creativity and/or Alertness: A Reconsideration of the Schumpeterian Entrepreneur, *Review of Austrian Economics* 11(1-2), 5-17.
- Levie, J. & Autio, E. (2008) A theoretical grounding and test of the GEM model. *Small Business Economics*, 31(3), this issue, doi:10.1007/s11187-008-9136-8. [DOI:10.1007/s11187-008-9136-8]
- North, D. C. (1990) *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge: Cambridge University Press. [DOI:10.1017/CBO9780511808678]
- Peter J. Boettke and Christopher J. Coyne (2009), "Context Matters: Institutions and Entrepreneurship"



ship” Foundations and Trends® in Entrepreneurship: 5(3). [DOI:10.1561/0300000018]

Williamson, O. E. (1998) “The institutions of governance”. The American Economic Review, 88 (2), 75-79.